

الا يا ايها السايه

مؤلف: امير الله قاسمي

www.ketab.ir

سر شناسه: امرالله قاسمی

عنوان و نام پدید آور: امرالله قاسمی / الا یا ایها السایه

مشخصات نشر: سمیرم : سام آرام ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۱۴۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۴۴-۸۸-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: حافظ، شمس الدین محمد، - ۷۹۲ق -- نقد و تفسیر

موضوع: Hafiz, Shamsoddin Mohamad, 14th Century-- Criticism and interpretation

موضوع: حافظ، شمس الدین محمد، - ۷۹۲ق. -- تاثیر -- ابتهاج، هوشنگ، ۱۳۰۶ -

موضوع: Ha z, Shamsoddin Muhammad, 14th century:

موضوع: ابتهاج، هوشنگ، ۱۳۰۶ - نقد و تفسیر / شعر فارسی - قرن ۸ق. - تاریخ و نقد

موضوع: Persian poetry -- 14th century -- History and criticism

شعر فارسی -- ق ۱۴ -- تاریخ و نقد : شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian poetry -- 20th century -- History and criticism

رده بندی کتبی: ۷۳۹۷ / الف ۲ق / PIR54334

رده بندی دیویی: ۱۳۲

شماره کتاب شناسی ملی: ۵۸۳۹۹۱

شناسنامه کتاب

نام کتاب: الا یا ایها السایه

مؤلف: امرالله قاسمی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰

ناشر: سام آرام

طراح جلد: محسن باغبانی

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

❖ کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

فهرست.....	صفحه
فهرست.....	۴
پیشگفتار.....	۶
فصل اول کلیاتی در مورد حافظ و ابتهاج.....	۱۰
زندگی نامه حافظ.....	۱۱
خصوصیات شعر حافظ.....	۱۴
زندگی نامه ابتهاج.....	۲۳
خصوصیات شعر ابتهاج.....	۲۵
تأثیرپذیری ابتهاج از غزلیات حافظ.....	۲۶
تشابه ترکیبات و مناسبات حافظ و ابتهاج.....	۲۹
افتراقات حافظ و ابتهاج.....	۵۵
تفاوت معشوق حافظ و معشوق ابتهاج.....	۵۶
تفاوت در موسیقی اشعار حافظ و ابتهاج.....	۶۶
موسیقی شعر حافظ.....	۷۰
موسیقی شعر ابتهاج.....	۷۳
تفاوت در استفاده از نام مکانها در اشعار دو شاعر.....	۷۶
تفاوت در اهمیت اماکن و نامهای مذهبی در اشعار دو شاعر.....	۸۰
تضمین های ابتهاج از غزلیات حافظ شیرازی.....	۸۳
موسوی گرمارودی در مورد سایه.....	۹۷
شعر شفيعی کدکنی برای ۹۰ سالگی ابتهاج.....	۱۰۴
زن از دیدگاه مولانا.....	۱۰۵
سیمای زن در دیوان حافظ.....	۱۱۸
زن در آثار سعدی.....	۱۳۰
زن در شاهنامه فردوسی.....	۱۳۷
منابع و مأخذ.....	۱۴۶

بسم الله الرحمن الرحيم

با توجه به قوت گرفتن شعر نو از اوایل مشروطه تا کنون شاعران زیادی در قالب های سنتی شعر گفته اند ولی تعداد کمی از آنها توانسته اند خود را بعنوان شاعر مطرح بین علاقمندان بشناسانند. شاعرانی چون شهریار، ره‌ی معیری، فریدون توللی، سیمین بهبهانی و پژمان بختیاری و امیر هوشنگ ابتهاج از جمله شاعرانی هستند که با تأثیرپذیری از غزل سرایان گذشته، مخصوصاً شاعران سبک عراقی، افرادی چون (سعدی و حافظ مولانا و تاحدودی صائب) توانسته اند با استفاده از امکانات رباعی و غزل راجع در شعر روزگار خود آثاری را ارائه بدهند که به ذهن و حافظه ی ادبی دوباره داران شعر سنتی مخصوصاً غزل راه پیدا کنند. البته تأثیرپذیری شاعران از بررسان شعر و ادب در یک سطح نبوده است عده ای از آنان کاملاً از گذشتگان تقلید کرده اند عده ای با بکارگیری ترکیبات و تعبیر به روز و جدید به زبان و بیانی نسبتاً مستقر راه یافته اند و توانسته اند با مخاطبان خود ارتباط بیشتری پیدا کنند.

یکی از این افراد امیر هوشنگ ابتهاج است او علاوه بر تجربه های جدی در شعر نیمایی در قالب سنتی (غزل) نیز آثار گرانسنگی از خود باقی گذاشته است. شهرت عمده ی او بخاطر غزلهای سنتی است که در میان اهل ادب راه یافته و با حافظه ی نسل کنونی سازگار شده است. دکتر غلامحسین یوسفی در کتاب چشمه ی روشن از غزلهای ابتهاج در شمار آثار خوب و خواندنی غزل فارسی معاصر یاد می کند و غزلهای او را از نظر رنگ اجتماعی یاد آور شیوه حافظ می داند زلال و شفاف وی همه تصورات و احساسات و دریافتهای او را به روشنی بیان کرده است مضامین گیرا و دلکش، تشبیهات و استعارات، صور خیال بدیع، زبان روان و موزون و خوش ترکیب و هماهنگ با غزل، از ویژگی های شعر اوست بعضی از غزلیات او یاد آور شیوه مولوی در غزل است مانند غزلهای زندان، شب یلدا، بیت الغزل، سایه در زمینه نوسرایی نیز طبع آزمایی کرده است که درون مایه و محتوای آنها تازه و ابتکار آمیز

است و چون فصاحت و قوت بیان سایه با آن همگام شده ترکیب این دو کیفیت با هم نتیجه بسیار مطلوبی به بار آورده است مانند اشعار «گریه سب، زمین، مرجان» (غلامحسین یوسفی، چشمه روشن ص ۷۶۱)

محمد حقوقی در کتاب (مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران) از ابتهاج به عنوان غزل سرایی صاحب سبک نام می برد و نزدیکی زبان غزل او را به زبان حافظ از مهمترین نکات راجع به غزل های ابتهاج می داند (محمد حقوقی ص ۵۲۲-۵۲۳) دکتر سیرین شایسا غزل ابتهاج را حد واسط سبکی بدیع از غزل، که آن را غزل تصویری نامیده، قرار داده است (شیوه ای که مقداری از عناصر شعر نو از نظر زبان و از نظر مضنون غزل اضافه شده است)

آنچه مسلم است ابتهاج در تعدادی از غزلهایش ضمن تاثیر پذیری از حافظ و دیگر شاعران، دست به خلق تصاویر نو و بکار گیری واژه ها و ترکیبات تازه و بدیع زده است عده ای بر این باورند که نوع موفقیت ابتهاج در شعر های نیمایی اش است که در آن از مفاهیمی استفاده کرده که با روزگار خودش هماهنگ می باشد و حتی در این شعر ها نیز با نبوغ در آفرینش هنر خود از شاعران گذشته تاثیر می پذیرد که در نهایت از پشت آن شعر هائی توان شاعری صاحب سبک، مستقل و مردمی را دید این عده برای نمونه، شعر خواب از کتاب «یادگار من سرو» را می آورند که این شعر نمونه ای از بهره گیری بجا از شعر های حافظ می باشد که با استفاده از این بیت حافظ:

دیدار شد میسر و بوس و کنار هم / از بخت شکر دارم راز، وزگار هم

شعر زیبای خواب را چنین سروده است:

با گریه می نویسم / از خواب / با گریه پا شدم / دستم هنوز / در گردن بلند تو
آویخته است

و عطر گیسوان سیاه تو / با لبم آمیخته است / دیدار شد میسر و ... / با گریه پا شدم.
اغلب سخنوران معتقدند ماجراهای پایان نا پذیر حافظ به معمای هنری تبدیل شده است که از کندوکاو کلام او، شاعران مضمونها ساخته اند مخصوصاً غزلهای

هوشنگ ابتهاج نظایر متنی و فرا متنی فراوانی از غزلهای حافظ را در خود دارد که حاکی از گفت و گوی درونی و تاریخی با هنر و اندیشه ی حافظ است. ابتهاج حتی با وزن و قافیه و ردیف غزل حافظ، متن خوش آهنگ شعرش را با موسیقی دیوان حافظ گره زده است تا خواننده از این تشابه لحن، گاهی به تقارن دیدگاههای دو شاعر و گاهی به تباین نظرگاههای آنها برسد.

نادر نادر پور شاعر هم عصر ابتهاج می گوید شعر ابتهاج سیری قهقراپی داشته و او در نیمای هاش هنرمندی خلاق بود. ولی عده ای از ناقدان بر این باورند که شاعر در فضای سنتی نفس می کشد و شعر جدید نییوسته و از نیمه ی راه باز گشته است (موحد ۱۳۸۹، ص ۹۱)

در مورد حافظ و ابتهاج به صورت جداگانه مطالعات زیادی انجام گرفته است و پژوهشگران بسیاری به بررسی رندگینامه و آثار دو شاعر پرداخته اند، اما بنظر می رسد که درباره تأثیر پذیری ابتهاج از حافظ و همچنین شیفتگی شاعر نسبت به حافظ و مضامین مشترک بین آنها کمتر کار شده. پژوهش زیادی انجام نشده است.

در این مجموعه در زمینه ی شناساندن تأثیر پذیری هوشنگ ابتهاج (سایه) از حافظ و رسیدن به این نتیجه که سایه از حافظ تأثیر پذیرفته و با توجه به حدود شش قرن فاصله بین زندگی دو شاعر و تغییر و تحولات فراوان از زمان حافظ تا عصر حاضر هر دو شاعر مضامین فکری و شعری مشترکی دارند.

همچنین در این کتاب، نگارنده با بررسی اشعار حافظ و اشعار ابتهاج، سعی کرده ام تا با پیدا کردن اشتراکات بین این دو شاعر از لحاظ مضامین به کار رفته، وافتراقات و حتی آهنگ و وزن و قافیه...، نقاط مشترک فکری و شعری آنها را بیابم و تأثیر پذیری ابتهاج از حافظ را در زمینه های مختلف نشان دهم.

با توجه به مضامین بکار رفته در آثار هر دو شاعر، سبک شعری، اشخاص و اماکن و ارتباط آن در اشعار آنها، به این نتیجه می رسیم که در تمام موارد ذکر شده سایه و حافظ، همانندی بسیار دارند و می توان هر دو را شاعر عشق نامید. چنان که خود حافظ می گوید:

فکند زمزمه ی عشق در حجاز و عراق
 نوای بانگ غزلهای حافظ شیراز

در بخش نخست، کلیاتی در مورد حافظ و ابتهاج ذکر نموده و اوضاع زندگی و خصوصیات شعری آن ها را با یکدیگر مقایسه کرده ایم. در فصل دوم، برخی ترکیبات مشترک حافظ و ابتهاج و مضامین مشابه این دو شاعر بیان شده است، همچنین اشعاری که نام افراد مختلف در آنها به کار برده شده است در این فصل آمده. در بخش سوم به بیان افتراقات شعری حافظ و ابتهاج می پردازیم. در بخش چهارم، تضامین های سایه از شعر حافظ، را بررسی شده است و به این نتیجه رسیده ام که او را نه ابتهاج در غزلیاتش استفاده نموده، مشابه اوزانی هستند که حافظ نیز در غزلیاتش در قریب به یکسان استفاده کرده است. غزلیات سایه و حافظ از نظر قافیه و ردیف نیز به هم شباهت دارند. هدف نهایی بررسی اثبات تأثیرپذیری ابتهاج از حافظ در سرودن غزلیات فارسی است. علاوه بر آن در این مجموعه بررسی شده است که تأثیر ابتهاج از حافظ، محدود به لفظ و ظاهر نیست، بلکه فراتر از آن است و تأثیرات عمیق فکری و محتوایی را نیز شامل می شود.

در قسمت پایانی کتاب دیدگاه شاعران عراق اول ایران (حافظ، سعدی، مولوی و فردوسی) را در مورد زن بررسی نموده ام امیدوارم مشر و واقع شود